

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۶۲

جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۴ مای ۲۰۱۷

بازتاب هفته

تلگرام و جمهوری اسلامی

مردم معترض و دستگاه جهل و خرافه
مطهری و منشاء خیزش انقلابی دیمه

صفحه ۷

شهرهای کردستان شاهد مراسمهای
متعدد در روز جهانی کارگر بود

صفحه ۱۰

رامین حسین پناهی زندانی
سیاسی محکوم به اعدام به بند
عمومی بازگردانده شد!

صفحه ۱۰

علیه حجاب، برای سکولاریسم!

گزارش از کنفرانس مینا احدی

صفحه ۱۲

تخریب گورهای اعدامیان دهه شصت
توسط جمهوری اسلامی را شدیداً
محکوم می کنیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

صفحه ۱۱

عرض اندام طبقه رها کننده جامعه در اول مه

سه سؤال از حمید تقوایی

صفحه ۲

اول مه علیرغم تعرض حکومت
در مراکز متعددی برگزار شد

(حزب کمونیست کارگری ایران)

کردند، شیرینی پخش کردند،
سخنرانی کردند و نشان دادند که
تهدید و ارباب راه بجایی نمیرد.

در تهران به فراخوان
بازنشستگان و تشکل های کارگری،
تجمع باشکوه اول مه با شرکت
صدها نفر از کارگران، بازنشستگان،
معلمان و دانشجویان در مقابل
مجلس برگزار شد. شرکت کنندگان
در این تجمع پلاکاردهای متعددی
در دست داشتند و شعارهای کوبنده

صفحه ۵

جمله دختران خیابان انقلاب منتشر
شده بود.

جمهوری اسلامی تعداد قابل
توجهی از فعالین کارگری در
شهرهای مختلف را از چند روز قبل
از اول مه احضار کرد و در مراکزی
که قصد برگزاری اول مه داشتند،
کنترل شدیدتری برقرار کرد. علیرغم
این، تحرك قابل توجهی در شهرها و
مراکز مختلف شکل گرفت و
کارگران هرجا امکان یافتند دست به
راهپیمایی زدند، مراسم برگزار

امروز اول مه پرشوری در ادامه
یکسال مبارزات پرشور کارگران در
تهران و شهرهای مختلف برگزار شد.
جنب و جوشی متفاوت از همیشه در
تهران و در بسیاری از مراکز کارگری
به راه افتاده بود. بیانیه های بسیاری
توسط تشکل های کارگری و مراکز
مختلف کارگری، معلمان و
بازنشستگان، نویسندگان،
همجنسگرایان، تعدادی از فعالین
کارگری، نهادهای مدافع حقوق زنان
و دهها نفر از فعالین حقوق زن و از

کارگران در هفته ای که گذشت

اول مه امسال

صفحه ۳

شاه مومیایی در نقش "آل سید"!

خلیل کیوان

صفحه ۲

تئوری چگونه توده گیر میشود

منصور حکمت

صفحه ۸

بیانیه حزب کمونیست کارگری درمورد

تعرض بیشرمانه حکومت اسلامی به قلب و روان
خانواده های جانباختگان!

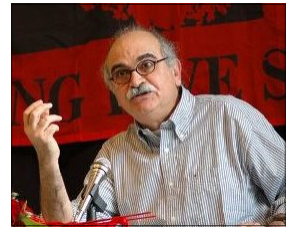
بیوگرافی مارکس منتشر شد

مینا احدی

صفحه ۶

عرض اندام طبقه رها کننده جامعه در اول مه

سه سؤال از حمید تقوایی



انترناسیونال: تحرکات بر سر برگزاری اول ماه مه، روز جهانی کارگر امسال در ایران گسترده تر از هر سال بود، علت آنرا چه می بینید و امسال چه ویژگی ای داشت؟

حمید تقوایی: مهمترین ویژگی اول ماه مه امسال این بود که در دل یک جنبش گسترده سرنگونی طلبانه علیه حکومت برگزار شد. جنبشی که از دیماه گذشته آغاز شده و انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی را به کتختان اصلی جامعه تبدیل کرده است. مبارزات و اعتراضات گسترده کارگری بویژه در چند سال اخیر در ایجاد زمینه های این جنبش انقلابی نقش داشته است و اول ماه امسال بروشنی بیانگر شقل و اهمیت جنبش کارگری در اوضاع سیاسی حاضر و پیشرویهایی آن در شرایط بعد از دی ماه بود.

این واقعیت را هم در تعدد و گستردگی تجمعات و مراسمهای اول مه و هم در پیامها و شعارها و بیانیه های رادیکال کارگران، بروشنی میتوان مشاهده کرد. بیانیه ها و شعارها و قطعهنامه های کارگری اول ماه امسال صرفا شامل مطالبات کارگران نبود، بلکه کل وضعیت سیاسی و اقتصادی نابسامان و بهم ریخته کشور، از هم گسیختگی شیرازه جامعه و درماندگی و استیصال حکومت را تصویر میکرد و "سیاستهای ضد انسانی جناحهای مختلف قدرت" را بجالش میکشید. اول ماه امسال روز اعلام کيفرخواست کارگران به نمایندگی از یک جامعه پیاخته علیه حکومت اسلامی سرمایه بود. طبقه کارگر نشان داد که در صف اول جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی حکومت قرار دارد و در این مبارزه آرمان و خواستههای برحق کل مردم له

شده زیر بار فقر و بیحقوقی را نمایندگی میکند. اول ماه امسال نه تنها روز اعلام خواستههای پایه ای کارگران، از پنج میلیون حداقل دستمزد تا برخورداری از حق تشکل و اعتصاب، بلکه روز اعتراض به مصائبی بود که حکومت اسلامی به کل جامعه، به زنان، جوانان، کشاورزان، کارتن خوابها، کولبران، کودکان کار و خیابان، مالباختگان، روشنفکران و فرهنگیان، قربانیان وضعیت فاجعه بار محیط زیست و در یک کلام نود و نه درصد مردم ایران تحمیل کرده است.

از سوی دیگر سایر بخشهای جامعه، از باننشستگان و نویسندگان تا فعالین جنبش آزادی زن و دختران انقلاب نیز به استقبال روز جهانی کارگر رفتند و در پیامهایشان با کارگران اعلام همبستگی کردند و بر خواستههای برحقشان تاکید کردند. دختران خیابان انقلاب در این روز با از سر برداشتن حجاب روز کارگر را گرامی داشتند. اول ماه امسال بیش از هر زمان همبستگی مردم با کارگران و گرایش عمیق آنان به تغییر بنیادی وضعیت موجود را منعکس کرد.

انترناسیونال: تصویر شما از آنچه در اول ماه مه امسال گذشت چیست و از نظر شما برگزاری روز جهانی کارگر در ابعادی که شما به آن اشاره کردید، به سهم خود چه تاثیری میتواند بر روند مبارزات کارگری و کل مردم داشته باشد؟

حمید تقوایی: به نظر من در یک سطح سیاسی اول ماه امسال یک بار دیگر بر این واقعیت تاکید کرد که جامعه چپ است و میخواید مساله فقر و بیحقوقی و تبعیض و زیر پا له شدن معیشت و منزلت انسانی را از ریشه و بطور بنیادی حل کند. البته در اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیروهای راست سلطنت طلب و اصلاح طلبان رانده شده از حکومت هم حضور دارند. بخصوص با آغاز جنبش توده ای مردم در دیماه این نیروها فعال شده و

هر يك تلاش میکنند "آلترناتیو" خود را، که نهایتا تغییرات جزئی در حکومت و حفظ اساس و بنیاد سیستم موجود است، راه حل وضع موجود قلمداد کنند. میخوایند حداکثر چند آخوند را کنار بگذارند اما سلطه يك در صدهای سرمایه دار و لذا ریاضت کشی و محرومیت و حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی دست نخورده باقی بماند. اول ماه با اعلام "نجات کشور از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت در دستان متحد ما کارگران و در گرو اعتراضات سراسری ماست" پاسخ طبقه کارگر به این تلاشها بود.

در شرایطی که بر سر جسد مومیائی رضا شاه هیاهو براف انداخته و همه رسانه های دولتی و نیمه دولتی غرب، آیت الله بی بی سی و همپالکی هایش، موضوع را توی بوق کرده بودند، کارگران و در کنار و همدوش آنها نهادهای و فعالین دفاع از حقوق زنان و نویسندگان و فعالین و نهادهای فعال در جنبش های حق طلبانه در تهران و ده ها شهر دیگر به خیابانها آمدند و کيفرخواست خود را علیه نظام ضد انسانی سرمایه اعلام کردند. این تصویر شورانگیزی است که اول ماه در برابر ما قرار میدهد. و این البته اولین بار نیست. نه تنها هر سال در اول ماه ها و هشت مارسها بلکه در خواستها و شعارها و مبارزات هر روزه مردم می بینیم که ارزشها و مقدساتی که نیروهای راست میخوایند به جامعه تزریق کنند جایگاهی چندانی در میان مردم ندارد.

یک تاکید ما همیشه و بویژه در اول ماه ها این بوده است که طبقه کارگر فقط يك صنف تولید کننده نیست. کارگر پناهی و مجیز گوئی از کارگران بعنوان تولید کنندگان "غیور و فداکار" و غیره که باید "گمربندهایشان را سفت کنند تا ایران آباد شود" تکیه کلام همه مفتخورهای حاکم هم از نوع سلطنتی و هم اسلامی بوده است. آنچه این نیروها بر نمی تابند و با

تمام قوا در مقابلش می ایستند عروج طبقه کارگر بعنوان رهبر جامعه، بعنوان نماینده انسانیت، در برابر نظم ضد انسانی سرمایه داری است. مشکل آنها با عروج طبقه کارگر بعنوان يك طبقه اجتماعی است که آرمان و خواست و توده مردمی که منفعتی در سلطه سرمایه ندارند را نمایندگی میکند و میخواید دست به ریشه ببرد تا بی تامینی و نابرابری و بیحقوقی و همه مصائبی که سرمایه داری، با عمامه و یا با تاج و یا با هر شکل و شمایل دیگری، بر جامعه تحمیل میکند ریشه کن بشود. طبقه اجتماعی ای که آزاد نمیشود مگر کل جامعه را آزاد کند. اول ماه امسال بویژه روز تاکید بر این حقیقت بنیادی بود.

در پاسخ به بخش دوم سئوالتان در مورد تاثیر اول مه بر روند مبارزات کارگران و مردم، باید بگویم که به نظر من مهمترین تاثیر اول ماه برجسته شدن و عطف توجه مردم ایران بر نقش تعیین کننده طبقه کارگر در مبارزه برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی است. این واقعیت هم انتظار و توقعات فراتری از مبارزات مطالباتی کارگران در برابر فعالین جنبش کارگری قرار میدهد و هم فعالین جنبشهای اعتراضی دیگر را به سمت نقد و اعتراض ریشه ای و آلترناتیو انقلابی کارگری بیشتر سوق میدهد.

تنها نگاهی به شعارهای اول ماه نظیر حقوق های نجومی فلاکت عمومی، زنده باد کارگر مرگ بر ستمگر، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، غارتگران آزادند کارگران

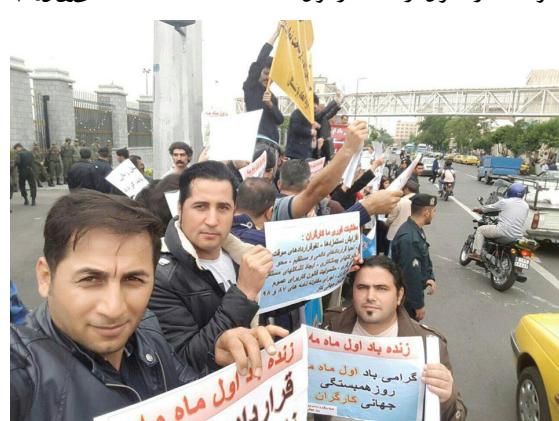
زنداند، نان مسکن آزادی حق مسلم ما است، خط فقر ۵ میلیون حقوق ما یک میلیون، کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد و آزادی برابری قوانین انسانی، حاکی از جایگاه ویژه طبقه کارگر در رادیکالیزه و متحد کردن جامعه است. در شرایط انقلابی جاری جامعه هر روز رادیکال تر میشود و این نوع شعارها و مطالبات محبوبیت و نفوذ بیشتری پیدا میکند.

با مومنتمی که اول ماه ایجاد کرده است و در دل شرایطی که حکومتی ها علنا از انفجار اجتماعی و بدربا ریخته شدن بوسیله مردم خشمکین دم میزنند، باید همه ما، فعالین جنبش کارگری و کمونیستها و نیروهای چپ و رادیکال در جامعه، تلاش کنیم تا طبقه کارگر نقش هر چه برجسته تری در عرصه سیاست و در راس مبارزات توده های مردم علیه حکومت اسلامی پیدا کند.

انترناسیونال: با توجه به نکاتی که گفتید مشخصا این روز چه اقدامات معینی را در دستور جنبش کارگری و تلاوم مبارزات جاری قرار میدهد؟

حمید تقوایی: بالاتر اشاره کردم که در بیانیه های کارگری از اعتراضات سراسری به عنوان راه نجات جامعه نام برده میشود. در برخی از بیانیه ها نیز فراخوان پیش بسوی اعتصابات سراسری مطرح شده است. این تاکید بر اعتراضات و اعتصابات سراسری از نظر شکل مبارزه راه پیشروی مبارزات کارگری و کل جامعه در مقابله با جمهوری اسلامی را روشن میکند.

همه چیز حاکی از آنست که در وضعیت متحول و پر تب و تاب حاضر تدارک و سازماندهی اعتراضات و اعتصابات سراسری



کارگران در هفته ای که گذشت

اول مه امسال

شهلا دانشفر

اول ماه مه امسال يك اتفاق سياسي مهم و يك نقطه عطف بود. خیزش انقلابی مردم در دیماه و تحولات سیاسی بعد از آن چهره دیگری به روز اول ماه مه امسال داد. جنبش کارگری که خود يك فاکتور مهم در کشیده شدن شرایط به وضع کنونی است، در نتیجه این خیزش کیفیتی دیگر پیدا کرد. در این چند ماه اعتراضات کارگری گسترده تر شده و کارگران با اشکالی چون مارش رفتن در وسط شهرها، دست زدن به اقدام مستقیم در برابر چپاولگری ها و به سرعت رفتن دستمزدهایشان، ایستادن در برابر دستگیری ها و تهدیدها و با خواستهایی متعین تر و روشن تر که کل بساط دزدسالاری و تبعیض طبقاتی حاکم را به چالش میکشد، به میدان آمده و مبارزات کل جامعه را عمق بخشیدند. و این تحولات مهر خود را بر اول ماه مه امسال نیز کوبید و تحرک گسترده ای بر سر برگزاری این روز شکل گرفت.

جدا از قطعنامه ها و بیانیه های اول ماه مه از سوی کارگران و بخش های مختلف جامعه، جدا از فراخوانهای کارگران به برگزاری این روز و جنب و جوش هایی که در محیط های کارگری و بخش های مختلف جامعه بر سر برگزاری این روز بر پا شد، و جدا از ابعاد قدرتمند سازماندهی این روز همبستگی کارگری از طریق مدیای اجتماعی، ما شاهد صحنه های شورانگیز دیگری چون صحبت ها زن جوانی در مترو بودیم که نوین است. او در سخنانش در مترو با گفتن اینکه ما به مناسبت روز جهانی کارگر میخوایم حرمت انسانی را برابری به زنان بازگردانده شود، اعتراض خود را به دستمزدهای زیر خط فقر اعلام داشته و خواستار حداقل دستمزد ۵ میلیون شد. همچنین دختران انقلاب که با سر چوب کردن حجابهایشان و به چالش کشیدن بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی خیزش دیماه مردم را وارد

فاز جدیدی کردند در اول ماه مه امسال نیز به میدان آمدند و در جاهایی حجاب برداشتند و این روز را گرامیداشتند. و بالاخره اینکه به مناسبت روز جهانی کارگر رهبران کارگری چون پروین محمدی، محمود صالحی، شاپور احسانی راد، علی نجاتی، جوانمیر مرادی و اسماعیل عبدی سخن گفتند و این روز را گرامی داشتند. و همه این اتفاقات چهره به غایت متفاوتی به اول ماه مه امسال داد و همبستگی طبقاتی گسترده ای علیه نظم موجود و برای داشتن يك زندگی انسانی در صف عظیمی از جامعه را به نمایش گذاشت.

قطعنامه های روز جهانی کارگر، پلاتفرم مبارزات متحد کارگران

به مناسبت روز جهانی کارگر دو بیانیه مشترک از سوی تشکلهای مستقل کارگری انتشار یافت. همچنین کارگران از کارخانجات و مراکز مختلف کارگری چون گروه ملی، هفت تپه و از بخش های مختلفی چون بازنشستگان، معلمان و نهادهای اجتماعی ای چون جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، کانون نویسندگان، ندای زنان ایران، شورای همبستگی تشکلهای صنفی معلمان و گروههای تلگرامی چون اتحاد بازنشستگان و نوزده اسفند بیانیه دادند و محورهای خواستههای اساسی خود را اعلام داشتند. قطعنامه ها و بیانیه های روز جهانی کارگر با اعتراض بر تعیین شدن دستمزدهای چند بار زیر خط فقر از سوی شورای عالی کار و حقوق های نجومی مقامات بر خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون و نیز بیمه های اجتماعی چون بهداشت و درمان رایگان برای همه و تحصیل رایگان تاکید شده بود. همچنین این بیانیه ها بر خواستهایی چون حق تشکل، حق تجمع، حق اعتصاب، حق تحزب به عنوان حقوق پایه ای مردم تاکید داشت. محورهای مهم دیگر این قطعنامه ها دفاع از حقوق

تجمع کنندگان ۶ نفر به اسامی حسین آذرگشسب، محسن ثقفی، پیمان احمدی، مصطفی آقایی، بابک کرمانیان و تهمنه خسروی بازداشت شدند و این دستگیری ها در همانجا با اعتراض و بالا گرفتن شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، پاسخ گرفت. بعد هم در ۱۲ اردیبهشت تمامی دستگیر شدگان آزاد شدند. همچنین يك صحنه پرشور مراسم روز جهانی کارگر در مقابل مجلس اسلامی قرائت قطعنامه اول ماه مه توسط ناهید خداجو از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بود که صدای زرمند او را در تاریخ به ثبت رساند.

بعلاوه در روز جهانی کارگر کارگران سندیکای واحد با شعار کارگر، کارگر، اتحاد، اتحاد در قرارگاه آزادی تجمع کردند. اتفاق قابل توجه دیگر در روز جهانی کارگر در تهران لغو مراسم دولتی از ترس خارج شدن کنترل اوضاع از دست حکومتیان و سر دادن شعار مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر توسط کارگران در میان جمعیت بود که به خاطر لغو این مراسم جمع شده بودند. بدین ترتیب آنجا نیز کارگران فریاد اعتراضشان را علیه ستمگری های بساط سرمایه داری حاکم و خانه کارگری های حکومتی بلند کردند. در شهریزد و شهرهای مختلف کردستان چون سقز، بانه، مریوان، کامیاران نیز مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار شد و در نایسر سنجند شاهد مارش کارگران بودیم. در سنجند دو نفر به اسامی یدی صمدی و امیرشهبی و در شهر سقز عثمان اسماعیلی از چهره های شناخته شده کارگری دستگیر شدند. آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه خواست فوری همه کارگران است.

و بالاخره اینکه در روز جهانی کارگر در مراکزی چون پالایشگاه آبادان کارگران پیمانی با خواست قراردادهای دائم، کارگران آئی تی آئی شیراز با خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی، کارگران شهرداری ماهشهر در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق با پهن کردن سفره خالی، آتش نشانان مشهد در اعتراض به عدم امنیت شغلی و با خواست افزایش دستمزدها، کارگران



پالایشگاه نفت خلیج بندر عباس در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه حقوق، کارگران قرارداد موقت پتروشیمی ایلام در اعتراض به پارتی بازی در استخدامها و بازنشستگان فولاد با تجمع در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی فولاد و در اعتراض به وضعیت حقوق و وضعیت معیشتشان، تجمعات اعتراضی شان را بر پا کرده و خواستهایشان را پیگیری شدند.

این چنین بود که علیرغم تلاشهای رژیم برای جلوگیری از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، علیرغم تهدید فعالین کارگری به برگزاری این روز و احضار کردها، اول ماه مه با شکوه برپا شد.

و آنچه در اول ماه مه گذشت با همه بیانیه ها و فراخوانهایش و شعارهایی که در تجمعات اعتراضی این روز فریاد زده شد، بار دیگر این حقیقت را که امروز سوسیالیسم به خیابانها کشیده شده و جامعه انسانی را فریاد میزند در مقابل چشمان ما قرار داد. به درست يك بند از قطعنامه های کارگری در اول ماه امسال تاکید بر تحزب بود. و فراخوان من پیوستن به حزب کمونیست کارگری ایران به عنوان پاسخی به این شرایط است.

معلمان به استقبال اعتراض سراسری و تجمعات سراسری میروند

شورای عالی تشکلهای صنفی معلمان طی بیانیه ای تحت عنوان هفته معلم، هفته ای از اعتراض را در برنامه کار خود گذاشته و معلمان را به آن فراخوان داده است. ۱۳ اردیبهشت روز همبستگی با معلمان در بند اسماعیل عبدی، محمود بهشتی و مختار اسدی و خواستها و مبارزاتشان است. روز های ۱۵ اردیبهشت و ۱۶ صفحه ۵



سابقه ای را در جهانی که در رکود و بحران و بیکاری غرق هست، بنمایش گذاشت. اردوغان پروژه های بسیاری را عملی کرد. آیا کسی مجاز هست که به بهانه توسعه اقتصادی و پیشرفت، از سرکوب آزادیهای سیاسی و مدنی و بی حقوقی مردم ترکیه چشم پوشد و اردوغان و نظامش را سمبل و نمونه ای از آنچه شایسته مردم ترکیه است معرفی کند؟ بعید است!

و بالاخره نمیتوان در این مورد صحبت کرد و از پوتین نام نبرد. نامی که با سیاست ایران و خاورمیانه و جهان عجین شده است. پوتین را بواسطه حمایتش از دو جنایتکار؛ خامنه ای و اسد خوب میشناسیم. حقه بازی در صحنه داخلی روسیه که با تغییر قانون اساسی از ریاستی به پارلمانی و بلعکس از سال ۲۰۰۰ تا کنون در راس حکومت خود را نگاه داشته است. او اما توانست کشور تحقیر شده روسیه را دوباره روی پا نگه دارد و سری در سرها در جهان پیدا کند و به یک بازیگر کلیدی در صحنه سیاسی، دیپلماسی و نظامی جهان بدل شود. او از پایه گذاران

بریکس (نام اختصاری پنج کشور در حال رشد) در اقتصاد بحران زده جهان است. لابد برای یک عظمت طلب روس او سمبل و مایه افتخار است. علیرغم این، مگر کسی - البته غیر از امثال خامنه ای و دار و دسته اش در حکومت اسلامی - لحظه ای در ماهیت جنایتکارانه پوتین در عرصه بین المللی و چهره مافیایی او در سیاست و اقتصاد روسیه تردید کرده است؟

معیار صنعت و پیشرفت نیست. معیار ارزش انسان در هر جامعه ای است. معیار قوانین و نرم های حاکم بر جامعه است. معیار قضاوت در مورد هر جامعه ای و بالطبع در مورد رهبران آن، نه درجه صنعت و پیشرفت اقتصادی آن جوامع است. معیار سنجش حقوق و آزادیهای فردی، آزادی بیان، رفاه و حرمت شهروندان است. هیاهویی که پیرامون مومیایی شاهد بودیم تلاشی بود برای خاک پاشیدن بر همین معیارها.

مومیایی ها پر از رمز و رازند. خبرسازند. انتظار میرفت که مطبوعات و مدیا به آن بپردازند، راست بوجد آید، رضا پهلوی و

طرفداران نظم قدیم میدانی برای ابراز وجود پیدا کنند و پژوهشگران و کارشناسان تاریخ اجتماعی و سیاسی بورژوازی بخط شوند و فرصتی برای خودنمایی بیابند، و در این میان عده ای هم به محل کشف مومیایی بروند به وی ادای احترام کنند و شعاری سردهند. عجیب نیست که در مملکت هشتماد میلیونی شاه مومیایی هم دوستدارانی داشته باشد. اینها همه قابل تصور بود. و بالاخره او شاه مملکتی بوده است. دودمانش با حکومتی جایگزین شد که خصم فعلی اوست، و نوه ای دارد که سری در سیاست دارد. بنا به همه دلایل، این موضوع میتوانست خبرساز باشد.

هیاهوها فرونشست. ال سید راست از اسب بزیر افتاد. حقایق عیان تر شد. معلوم شد که جامعه اصل را از بدل تشخیص میدهد. نشان داده شد که تاریخ فراموش نشده است. روشن شد که جامعه عمیقتر، پیچیده تر، مدعی تر و پر توقع تر شده است. آینده را نه آنها که تاریخ دورغین را مینویسند، نه آنها که استبداد و گذشته را وعده میدهند، نه نفیر بی جان یک مومیایی، بلکه غرش خفتگان در گورهای جمعی، آرمیدگان خاوران ها، رهبران شجاع و زنده طبقه کارگر، رهبران معلمان، دختران انقلاب و همه آزادیخواهان واقعی نوید میدهند.

جمهوری اسلامی به مردگان هم رحم نمیکند. پهلوی ها باید حق داشته باشند آنطور که مایل اند مردگان خود را کفن و دفن کنند. مردم هم باید حق داشته باشد که گذشته استبدادی اعم از نوع پهلوی ها و یا اسلامی را کفن و دفن کنند و جامعه ای بسازند که آزادی، حرمت، رفاه و ارزش های انسانی در آن حاکم باشد.

شاه مومیایی در نقش "ال سید"!

خلیل کیوان

رودریگ دیاز (Rodrig Díaz de Vivar) را اعراب سید و اسپانیایی ها ال سید (El Cid) خطاب میکردند. او قهرمان ملی و رهبر نظامی اسپانیایی ها در مقابله با اعراب در قرن یازدهم بود. وی یک رهبر نظامی کاریزماتیک بود که حتی دشمنانش هم به او احترام میگذاشتند. به همین خاطر اعراب به او لقب احترام آمیز سید یا "ال سید" داده بودند. فیلم ال سید بر پایه همین واقعه تاریخی ساخته شده است. یک فیلم حماسی که بنحو بسیار موفقی از رودریگ دیاز تصویر یک رهبر کاریزماتیک را بنمایش میگذارد.

رودریگ دیاز برای سپاهیاناش روحیه بخش و برای دشمنانش رعب آور بود. ال سید اسم رمز پیروزی در نبردها بود. تا اینکه در یکی از نبردها تیری در سینه اش نشست و ناچار به عقب نشینی و بازگشت به قلعه شد. او شب را به صبح نرساند. دشمن صبح روز بعد با این تصور که ال سید مرده است طبل کوبان بسمت قلعه اسپانیایی ها پیشروی را شروع کرد. اسپانیایی ها جسد ال سید را بر اسب نشانند و پرچی هم در دستش گذاشتند، بنحوی که انگار جان تازه ای گرفته بود. با این تاکتیک، سپاه اسپانیا با ال سید در پیشاپیش آن به قلب دشمن زد. با رویت ال سید رعب و وحشت سپاه دشمن را در بر گرفت، به هزیمت افتاد و به این ترتیب مغلوب سپاه ال سید شد.

حالا "ال سید" ایرانی هم پیدا شده است؛ مومیایی رضا شاه! و دیدیم که چگونه تلاش شد مومیایی بر اسب اعتراض مردم نشانده شود تا نفیر کشان به اردوی دشمن بتازد. و چه امیدوارو بودند که هیبت مومیایی به صف مردم امید پمپاژ کند و نفیر او رعب در دل دشمن بیفکند. چرا که نه! مگر نه اینکه مومیایی معمار دولت نوین ایران بوده است، که موجود توسعه بوده است، که به کشور ساختار داده بود، که امنیت برقرار کرده بود و ... و این روزها معلوم شد که ما ملت تاریخ ندان، همه

نمونه و مثال زدنی است. کشور بحران زده آلمان را طی مدت کوتاهی سر و سامان داد، بیکاری را حل و اقتصاد کشور را به رشد بالایی رساند. از این نظر، او آلمان را آباد کرد. علیرغم این، چرا آلمانی ها به او افتخار نمیکنند؟

استالین چه؟ او ما را یاد چه می اندازد؟ تصفیه های هولناک و خونین مخالفین؟ اردوگاه های کار؟ ترور؛ بله، نام او با همه اینها تداعی میشود. اما او روسیه را از یک کشور عقب مانده و اقتصاد در هم کوفته و بسته عبور داد. تحت رهبری او، روسیه توانست صنعتی شود و به یک قطب جهانی بدل گردد. رشد اقتصادی روسیه تحت هدایت استالین با سرعت کم نظیری پیش میرفت و جهان را شگفت زده کرد. استالین روسیه را، نه فقط در زمینه اقتصادی، بلکه در در زمینه های علمی، فضا طب، ورزش و ... با سرعت بسمت آبادانی سوق داد. پس چرا استالین نمیتواند مایه مباهات باشد؟

شی جین پینگ با چه تداعی می شود؟ صنعت و پیشرفت! چین کشوری است که در مدت کوتاهی از اقتصاد دهقانی و عقب مانده به مقام قدرت دوم صنعتی جهان دست یافت. کارشناسان میگویند چین تا یک دهه دیگر از آمریکا هم پیشی خواهد گرفت. امروز چین کارگاه جهان است. بدون اقتصاد چین، جهان تعادل اقتصادی خود را از دست خواهد داد. با این حساب باید برای شی جین پینگ هم احترام ویژه ای قائل شد. چرا که نه! وقتی صنعت و پیشرفت اقتصادی معیار باشد، دیگر جای تامل نیست. با این توصیفات باید برای شی جین پینگ کلاه هم از سر برگرفت. اما به چه قیمتی توسعه، پیشرفت و رشد صنعت و اقتصاد چین میسر شده است؟ جواب روشن است: به قیمت بردگی نیروی کار و بی حقوقی مطلق شهروندان چین. به همین خاطر چین و رئیس آن کشور الگوی یک جامعه انسانی نمی توانند باشند.

راه دورنرویم. همسایه مان، اردوغان را نگاه کنیم. در طی حکومت او رشد اقتصادی ترکیه دو رقمی شد. او تحول اقتصادی کم

اینها را فراموش کرده بودیم. تازه می فهمیم که چه گوهری بر پیشانی تاریخ میدرخشیده است و ما به آن بی توجه بوده ایم. ما خودمان یک ال سید داریم!

بیاییم برای یک لحظه فراموش کنیم که رضا شاه با کودتا روی کار آمد، و فراموش کنیم که مجلس را مطیع و دست نشانده خود ساخت، آزادیهای سیاسی و مدنی را برچید، مصونیت نمایندگان مجلس را لغو کرد، احزاب را منحل و مطبوعات را تعطیل کرد، مخالفین سیاسی و تواناترین روشنفکران، ادبا، شاعران و نویسندگان را روانه زندان کرد و ده ها نفر از مخالفین را اعدام و یا ترور کرد، دستاوردهای انقلاب مشروطه را لگد مال کرد و خود را پادشاه خواند و زمین های مرغوب شمال را بالا کشید و ... و قبول کنیم که وارث او کشور را به گورستان آریامهری بدل نکرده بود. و بیاییم قبول کنیم که مومیایی واقعا نماینده و سمبل نوگرایی، توسعه و امنیت بوده است. اما چرا اینها معیار قضاوت و انتخاب سیاسی امروز باید قرار داده شود؟ چرا از وضعیت حقوق و آزادیهای سیاسی، مدنی، اجتماعی و همچنین از حرمت و رفاه تحت حاکمیت رضا خان سخنی گفته نمیشود؟

هیتر و استالین که به مراتب در توسعه صنعتی کشورشان موفق تر از رضا شاه عمل کرده اند و سرآمد همه هم عصران خود بوده اند. شی جین پینگ رهبر چین کشورش را در مقام دومین کشور صنعتی جهان تثبیت کرده و میبرد که از آمریکا هم پیشی بگیرد. اردوغان توسعه صنعتی ترکیه را رقم زد. پوتین مظهر قدرت روسهاست. او نه فقط رشد اقتصادی روسیه را هدایت کرد، بلکه روسیه را دوباره در جرگه بازیگران جهانی و در مقام یک گردن کلفت باجگیر سیاسی ارتقاء داد. با این حساب این رهبران باید بیش از رضا شاه تقدیس شوند. اما چرا چنین نیست؟

هیتر مایه شرم آلمانی هاست. اما نه به این خاطر که جاده و کارخانه و صنعت ساخت. او در این زمینه در میان همه دولتمردان تاریخ نوین آلمان و حتی در جهان،

اول مه علیرغم تعرض حکومت در مراکز متعددی برگزار شد

از صفحه ۱

ای سردادند. مراسم با شعارهایی نظیر: نان مسکن آزادی، کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، غارتگران آزادند کارگران زندانند، حقوق های نجومی فلاکت عمومی، آزادی برابری قوانین انسانی، خط فقر ۵ میلیون حقوق ما یک میلیون، تشکل اعتصاب حق مسلم ما است، کارگر، معلم، دانشجو اتحاد اتحاد، تا حق خود نگیریم از پا نینیشینیم و نان مسکن آزادی حق مسلم ما است، شروع شد و با شعارهایی در اعتراض به دزدی و غارت اموال مردم و فقر و سیوری اکثریت عظیم جامعه ادامه یافت.

قطعنامه مشترک تشکل های کارگری در مراسم امروز قرائت گردید، شاپور احسانی راد عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در سخنرانی کوتاهی درمورد حق کارگران برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، گفت که ما اینجا جمع شده ایم تا اعتراض شدید خود را به فقر و فلاکت و بی حقوقی مان اعلام کنیم. مراسم پایان یافت اما هنگام ترک محل، نیروهای انتظامی حکومت جمعیت را محاصره و به شیوه وحشیانه ای به آنها حمله کرده و تعدادی را دستگیر و به داخل مجلس بردند. تجمع کنندگان در اعتراض به دستگیری ها علیه این وحشیگری با شعار کارگر بازداشتی آزاد باید گردد عکس العمل نشان دادند. پلیس یار دیگر به جمعیت حمله کرد و جمعیت محاصره شده را با خشونت به طرف خروجی های مقابل مجلس راند.

اسامی هفت نفر از بازداشت شدگان به این شرح است: حسین آذرگشسب، محسن ثقفی، پیمان احمدی، مصطفی آقایی، بابک ...

افشین حیرتیان و تهیمینه خسروی.

کارگران شرکت واحد نیز در پایانه آزادی در تهران مراسم خود را برگزار کردند و با شعارهای کارگر اتحاد، تشکل مستقل حق مسلم ما است و زنده باد سندیکا مراسم اول مه را برگزار کردند.

در تهران همچنین در مقابل خانه کارگر رژیم، جمعیت حاضر در اعتراض به لغو مجوز راهپیمایی، کارگران شروع به شعار دادن کردند و شعار درود بر کارگر مرگ بر ستمگر را به گرانندگان مراسمی که برای کنترل کارگران سازمان داده بود، تحمیل کردند. حکومت و مزدوران خانه کارگر میدانستند در صورت راهپیمایی، اوضاع از کنترل آنها خارج میشود و به همین جهت راهپیمایی را لغو کردند.

در اصفهان جمعی از کارگران ذوب آهن تجمعی به مناسبت اول مه برگزار کردند. در اهواز کارگران بازنشسته فولاد دست به تجمع به مناسبت اول مه زدند.

در هفت تپه کارگران مراسمی برگزار کردند و درمورد تاریخچه اول مه صحبت کردند.

در عسلویه بنر بزرگی تحت عنوان گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر در مقابل درب پالایشگاه فاز ۴ و ۵ نصب شد. قطعنامه مشترک تشکل های کارگری و تراکتی که در واقع کیفرخواستی علیه حکومت و نظام سرمایه داری بود در نقاط مختلف پخش شد.

در اراک کارگران هپکو پلاکاردی که توسط کارفرما به مناسبت اول مه نصب شده بود را بعنوان اعتراض وارونه کردند.

در یزد جمعیت قابل توجهی از کارگران دست به راهپیمایی زدند.

در سفر نیروهای لباس شخصی که از ساعت ۷ صبح میدان کارگران ساختمانی (میدان چمی ولی خان) را اشغال کرده بودند به صفوف کارگرانی که برای بزرگداشت روز جهانی کارگر در این میدان تجمع کرده بودند، حمله کرده و بعد از یک ساعت درگیری با کارگران چند نفر از جمله عثمان اسماعیلی را دستگیر کردند. محمود صالحی نیز در جریان حمله اوپاش حکومت مجروح شد.

در سمنندج تعدادی از کارگران ساختمانی با در دست گرفتن پلاکارد و یک شاخه گل در محل کار اول مه را گرامی داشتند. روز دهم اردیبهشت کارگران سندیکای خباز و کارگران ساختمانی مریوان با پخش شیرینی و دفتر و خودکار مزین با تبریک اول مه به استقبال اول مه رفتند. روز ۱۱ اردیبهشت یدی صمدی و امیرشهایی از مسئولین سندیکای خبازان سمنندج دستگیر شدند اما علیرغم این کارگران خباز مراسم اول مه را برگزار کردند.

در نایسر سمنندج جمعیت قابل توجهی از زنان و مردان کارگر دست به راهپیمایی زدند. شرکت کنندگان در راهپیمایی شعار دادند و پلاکاردهای متعددی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: لغو قرار دادهای سفید امضا، حذف سهمیه بندی بیمه بیکاری کارگران ساختمانی، نان مسکن آزادی، هم از فقر مینالیم هم از فرق بیزاریم، کارگران زندانی آزاد باید گردند و گرامی باد اول مه روز جهانی

کارگران در هفته ای که...

از صفحه ۳

اردیبهشت بر دو موضوع مهم دفاع از حقوق دانش آموزان برای برخورداری از آموزش رایگان، کیفی و عادلانه و حق تشکل یابی معلمان اختصاص دارد. بیانیه معلمان را برای پیگیری خواستهایشان که سالهاست برای آن مبارزه میکنند، به اعتصابی اختطاری در دو ساعت آخر روز نوزده اردیبهشت فراخوان به اعتصاب سراسری فراخوانده است. همچنین روز ۲۰ اردیبهشت قرار است که معلمان در تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه و در شهرستانها در مقابل ادارات

کارگر. در شهرک صنعتی کارگران با پخش شیرینی و تبریک روز جهانی کارگر، بر اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران تاکید کردند.

در مریوان کارگران ساختمانی در میدان شیرنگ مراسمی برگزار کردند. در این مراسم مسئول هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی مریوان و سروآباد درمورد شرایط زندگی و کارگران و دستمزدهای چندبار زیر خط فقر سخنرانی کرد که مورد استقبال کارگران قرار گرفت. کارگران همچنین با پخش شیرینی روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

در کامیاران تعدادی از فعالین کارگری و اعضای انجمن کارگران ساختمانی این شهر همراه با پخش شیرینی و نصب پلاکارد به مناسبت روز جهانی کارگر در سطح شهر این روز جهانی را به کارگران تبریک گفتند.

در شیراز روز اول مه کارگران آبی تی آی در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و سنوات دست به تجمع اعتراضی در مقابل کارخانه زدند.

در ماهشهر کارگران با پهن کردن سرفه خالی در وسط خیابان به بالاکشیدن شش ماه حقوقشان توسط مفتخوران اعتراض کردند.

کارگران پالایشگاه نفت ستاره خلیج در بندرعباس نیز امروز همزمان با اول مه دست به اعتصاب زدند و به نپرداختن دو ماه حقوق خود اعتراض کردند.

چند روز قبل از اول مه زن جوان شجاعی در متروی تهران به مناسبت اول مه و علیه تحمیل حجاب به زنان

آموزش و پرورش تجمع داشته باشند.

معلمان یک بخش معترض جامعه هستند که در مبارزات تا کنونی شان الگوهای خوبی از سازمانیابی توده ای در گروههای مدیای اجتماعی و سازماندهی اعتراضات سراسری در مقابل کارگران و کل جامعه گذاشته و راه نشان داده اند. معلمان همچنین در اعتراضاتشان با خواستهایی چون خط فقر، تحصیل رایگان برای همه، درمان رایگان برای همگان، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و در اعتراض به فقر، تبعیض و نابرابری و حقوق های نجومی و اختلاس ها،

سخنرانی کرد و در روز اول مه در نقاطی از تهران دختران خیابان انقلاب حجاب برداشتند و علیه تحمیل حجاب اعتراض کردند.

علاوه بر تجمعات اول مه، فعالین کمونیست در نقاط مختلف کشور به مناسبت اول مه شعارنویسی کردند و در تهران بنر بلندی از پل گیشا با شعار کار، نان، آزادی آویزان کردند. اعلامیه هایی به مناسبت اول مه نیز از روزهای قبل در چندین شهر در میان مردم پخش شده و یا بر روی دیوارها و تابلوهای دانشگاه ها نصب شده بود.

اول مه پایان یافت اما اعتصابات و اعتراضات کارگری با قدرت ادامه دارد. اول مه امسال عزم جزم کارگران را برای تداوم و گسترش اعتراضات نشان داد. تحرکات گسترده اول مه نشان داد که اگر فشارهای حکومت نبود، شاهد صدها راهپیمایی گسترده و باشکوه کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر کشور میبودیم. اول مه نشان داد که طبقه کارگر ایران بطور روزافزون و بالنده ای تکیه گاه و الهام بخش تلاش کل جامعه برای رفاه و عدالت و برابری و آزادی است.

گرامی باد اول مه روز جهانی کارگر پیش بسوی اعتصابات و اعتراضات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، اول مه

۲۰۱۸

نقش مهمی در جلو آورد گفتنمان های رادیکال و چپ کارگری در سطح جامعه داشته اند. از جمله شعارهایی چون معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، نماینده ۶۰ میلیون حقوق ما یک میلیون در تاریخ مبارزات معلمان ثبت شده است و اینها شعارهاییست که کل بساط تبعیض و نابرابری سرمایه داری حاکم را به چالش کشیده و صدای اعتراض کل جامعه است. معلمان با چنین شعارها و خواستهایی توانسته اند، جریانات سازشکار و راست را از سر مبارزاتشان کنار بزنند. از مبارزات معلمان وسیعا حمایت کنیم.



بیوگرافی مارکس منتشر شد

مینا احدی

در لیست پر فروش ترینها بود و سپس بیوگرافی چارلز داروین. اکنون کتاب قطور نه فیه در مورد مارکس در کتابفروشی ها در دسترس است. بنظر من این کتاب یک بررسی دقیق از نظرات و تئوری های مارکس و تاثیرات او در دنیای امروز است. نه فیه در سخنرانی خود در روز یکشنبه نگاهی داشت به پروسه عروج مجدد مارکس در دنیای امروز، تئوری و نظرات مارکس، جایگاه مانیفست کمونیست و فراز و نشیب های زندگی مارکس و دست و پنجه نرم کردن او با مشکلات متعدد، رابطه مارکس و انگلس و مهمترین تزه های مارکس تئورسیسین و مارکس انقلابی.

یورگن نه فیه نویسنده بیوگرافی مارکس و زندگی و ایده های اوست که اکنون در آلمان در لیست پر فروش ترین کتابها است. نه فیه هر روز در چند جا سخنرانی دارد و روز یکشنبه ۲۹ آوریل در شهر اوبرول مهمان بنیاد جردانو برونو بود. رشته تحصیلی او ابتدا فیزیک و سپس بیولوژی بوده است اما در دوران دانشجویی بعنوان ژورنالیست هم کار کرده است و در این دوران جوایز متعددی بدلیل کارهای موفق ژورنالیستی دریافت کرده است. نه فیه در آلمان بدلیل نگارش دو کتاب بیوگرافی مشهور است. اولی در سال ۲۰۰۵ در مورد آلبرت انیشتین که



عرض اندام طبقه رها کننده جامعه

از صفحه ۲

کارگری و انجمن های صنفی که ده ها هزار کارگر را نمایندگی میکنند مطرح شده است. همچنین ما شاهد مبارزات سراسری بازنشستگان و معلمان بر سر افزایش حقوقها و شرایط معیشتی شان هستیم. اینها زمینه های مساعدی برای طرح و پیگیری شعار "پیش بسوی اعتصابات سراسری" است. به نظر من روند تحولات سیاسی در جامعه به سمت شکل گیری اعتصابات سراسری و عمومی سوق پیدا میکند- اعتصاباتی که هم اکنون اولین نمونه آنها در شهرهای کردستان شاهد هستیم. کارگران باید خود را برای چنین شرایطی آماده کنند. در

کارگری کاملا امکان پذیر است. فعالین کارگری در اطلاعیه ها و بیانیه های اول مه کلید این امر زدند و باید با تمام قوا این امر را پی گرفت.

به نظر من یک خواست محوری که میتواند صفوف کارگران را متحد کند و به حرکت درآورد اعتراض به دستمزدهای زیر خط فقر است. جنبش کارگری برای افزایش دستمزدها در چند ماه اخیر گامهای بلندی بجلو برداشته است. امروز خواست افزایش حداقل دستمزد به پنج میلیون، و یا بالاتر از چهار میلیون، از جانب نهادهای فعالین

بیانیه حزب کمونیست کارگری درمورد

تعرض بیشرمانه حکومت اسلامی به قلب و روان خانواده های جانبختگان!

امروز سازمان عفو بین الملل و عدالت برای ایران، با انتشار گزارشی، از تخریب عامدانه گورهای دسته جمعی جان باختگان دهه شصت توسط حکومت اسلامی ایران پرده برداشتند. در این گزارش از اقداماتی شامل مسطح سازی بوسیله بولدوز، ساخت جاده و ساختمان و ساخت قبرهای جدید در محل گورهای جمعی صحبت شده است.

جمهوری اسلامی در دهه شصت هزاران نفر را اعدام کرد و در شهرها و روستاهای کشور دهها گور دسته جمعه شناسایی شده که به باور عمومی مردم در محل، گورهای دسته جمعی جانبختگان دهه شصت است. اکنون سخن از تخریب بیش از ده گور دسته جمعی در تبریز، قروه، مشهد، اهواز، رشت و خاوران است که به دستور سران جنایتکار اسلامی و با تائید نهادها و جناح های مختلف حکومت اسلامی ایران صورت میگردد.

این یک تعرض بیشرمانه دیگر حکومت اسلامی به خانواده های

داغدار است. خانواده هایی که بعضا حتی بعد از گذشت سه دهه نمیدانند عزیزان آنها در کجا دفن شده اند. این یک داغ بزرگ دیگر بر قلب و روح و روان فرزندان، مادران و پدران و همسران و دوستان و خانواده هایی است که جمهوری اسلامی حتی نگذاشته در داغ عزیزان خود به راحتی اشک بریزند و مراسم یادبود برگزار کنند.

مردم ایران و بویژه خانواده هایی که عزیزان آنها در دادگاههای فرمایشی حکومت اسلامی و از طریق کمیته های مرگ این حکومت به اعدام محکوم شدند، در آرزوی روزی هستند که با رفتن این حکومت پرونده این جنایات باز شود، از واقعیات تلخ کشتارها و محل دفن عزیزان خود مطلع شوند، دنیا را از این جنایات هولناک با خبر کنند، عاملین و آمرین آن را در دادگاه های علنی و مردمی به محاکمه بکشند، و باین ترتیب یاد عزیزان خود را گرامی بدارند. حکومت اسلامی برای جلوگیری از همین وقایع دارد آثار جرم را از بین

میبرد. برای چنین تعرض بیشرمانه ای به قلب و روان خانواده های داغدیده، برای مقابله با از بین بردن عامدانه آثار جنایاتی که دست تک تک سازندگان حکومت اسلامی در آن سهیم است، باید متحدانه بپا خاست!

حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی و اقدام بیشرمانه آن در تخریب عامدانه آثار جرم و جنایات دهه شصت را بشدت محکوم کرده و از همه خانواده های جانبختگان، از مردم آزاده ایران و از همه نهادهای مدافع حقوق انسانی دعوت میکند وسیعا به این اقدام جنایتکارانه اعتراض کنند. نباید بگذاریم آثار هولوکاست اسلامی را تخریب کنند. ما مردم می توانیم و باید متحدانه و گسترده با اعتراض گسترده به جمهوری اسلامی جلوی این روند را بگیریم!

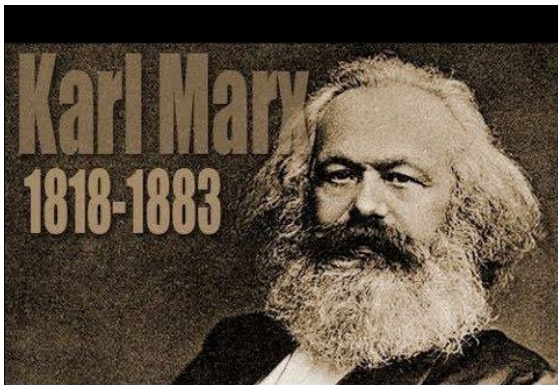
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۷، ۳۰ آوریل
۲۰۱۸

ما تماما تلاش میکنیم، که یک دستاورد اول مه امسال روی آوری هر چه بیشتر کارگران به حزب طبقاتی خودشان، حزب کمونیست کارگری باشد.

قدرت سیاسی خواستها و اهداف آنان را نمایندگی کند در هر شرایطی مهم است اما بویژه در وضعیتی مثل امروز که جامعه برای رهائی از شر جمهوری اسلامی بپا خاسته، این امر جایگاه مطلقا تعیین کننده ای پیدا میکند. من امیلوارم، و حزب

چشم انداز قرار دادن و تدارک دیدن اعتصاب سراسری علیه دستمزدهای زیرخط فقر کام مهمی در کسب این آمادگی است.

نکته دیگر همانطور که بالاتر اشاره کردم نقش سیاسی تعیین کننده ای است که طبقه کارگر بعنوان رهبر انقلاب در شرایط حاضر میتواند باید ایفا کند. ایفای این نقش تماما به تحزب کارگران گره خورده است. ما در پلنوم قبلی حزب ما بر اهمیت تشکلیابی حزبی کارگران تاکید کرد و در این مورد قطعنامه ای تصویب کرد. در پیام اول مه نیز من بر این مهم تاکید کردم. مساله حیثیت و سازمانیابی فعالین و توده های طبقه کارگر در حزبی که در عرصه مبارزه برای



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

تلگرام و جمهوری اسلامی

کاظم نیکخواه

آخرین آمار عضویت ایرانیان در تلگرام حدود ۴۰ میلیون نفر اعلام شده است. این آمار برای جمهوری اسلامی یک کابوس وحشتناک است. به همین دلیل این حکومت مدتهاست در تقاضای دست پیدا کردن به تلگرام و کنترل آن بود و نتوانست راه بجایی ببرد. در نتیجه دستور بستن تلگرام را هفته گذشته صادر کردند. دلیل محکمه پسند این اقدام نیز "شکایت" از تلگرام عنوان شده است. دادستان حکومت اسلامی اعلام کرد "با توجه به این که سرورهای این پیام رسان (تلگرام) که ادله ارتکاب جرائم مذکور در آن نگهداری می شود در خارج از کشور قرار داشته و غیرقابل دسترس می باشد و مدیران این شبکه نیز هیچ گونه همکاری با مقامات قضایی و ضابطان دادگستری در خصوص جمع آوری و ارائه ادله جرم به عمل نیاورده اند، و در نتیجه بسیاری از پرونده ها بلا اقدام باقی مانده و این امر ضمن این که موجبات نارضایتی شکات را به دنبال داشته، اجرای عدالت در کشور را نیز با موانع جدی مواجه ساخته است" «این رسانه در ایران بسته میشود. (خبرگزاری حکومتی ایسنا ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷)

همانگونه که در حکم دادستانی آمده تلاش آنها برای تسلیم مدیریت شبکه تلگرام برای همکاری به جایی نرسیده و آنها راهی بجز بستن آن نداشته اند. مدیریت تلگرام و همه شبکه های اجتماعی هم میدانند که محبوبیت این رسانه بخاطر اینست که حکومت در

مطهری و منشاء خیزش انقلابی دیماه

حسن صالحی

در حالی که کابوس تکرار خیزش انقلابی دی ماه همچون شبی بر گرد عمامه های آیت الله های ریز و درشت حکومت در گشت و گذار است، اظهار نظر در مورد این رویداد انقلابی در میان حکومتیان همچنان داغ است. اظهارات علی مطهری نایب رییس مجلس شورای اسلامی در جریان یک سخنرانی در دانشگاه صنعتی اصفهان یکی از این آخرین موارد است. او گفته است که "در اعتراضات اخیر که در دی ماه سال گذشته انجام شد منشاء این اعتراضات درون حکومتی بود چرا که یک عده برای ضربه زدن به دولت این اعتراضات را به راه انداختند اما به سرعت کار از دستشان در رفت!"

مطهری در حالی منشاء اعتراضات دیماه را "درون حکومتی" می داند که خامنه ای در اولین واکنش خود به این اعتراضات "عوامل بیگانه" را بعنوان منشاء اعتراضات دی ماه معرفی کرده بود. این سردرگمی حکومت در باره دلایل اعتراضات دی ماه سال گذشته اساسا ناشی از این است که از خیزش انقلابی مردم با خواست سرنگونی جمهوری اسلامی چنان ضربه ای بر خیمه اسلام و حکومتش وارد آورد که همه شان گیج و

مردم معترض و دستگاه جهل و خرافه

هوشیار سروش

بنظر میرسید که کل این خیزش هم افت کرده است. اما در شرایط بحرانی اجتماعی و در جامعه ای مثل ایران؛ این نوع حرکتها و اعتراضات نیز در واقع یک نقطه عطف و یک فاز یک چنین تحولی محسوب میشود. مردم جان به لب آمده از اختناق و سرکوب چهل ساله بدنبال هر نارضایتی و روزنه ای می گردند تا مقاومت و مبارزه خود را در مقابل دستگاه حاکمیت آن به اشکال و صورت های دیگری ادامه دهند. و با افت و خیز همگانی دیماه ۹۶ اشکال و تاکتیک های مقاومت و مبارزه مردم اشکال جدیدی به خود گرفت و بروز پیدا کرد.

این شکل جدید مبارزه نه فقط مستقیما عوامل هیات حاکمه را در اصلی ترین سنگر های مذهبی و دولتی شان نشانه میگرفت بلکه غیر مستقیم مذهب و دولت مذهبی را هدف خود قرار داده و نشان میداد که مردم ایران در هرجایی که هستند اهداف مبارزاتی خود را مستقیما علیه قلب دستگاه مذهب و ارتجاع که چشم اسفندیار هیات حاکمه است به پیش میبرند و این دستگاه جهنمی را به مبارزه و مصاف نهایی می کشند. بی تردید مبارزه و تلاش های خستگی ناپذیر مردم در راه تحقق خواستها و مطالبات برحق شان هر مانعی را از سرراهشان جارو خواهد کرد. دستگاه جهل و خرافه و اماکن مذهبی از منبر و مسجد و جریانات ارتجاعی مذهبی، جز نقش ترمزگیر و مانع این خواست مردم نقش دیگری ندارند و همچنان چنین نقشی را ایفا خواهند کرد. اما مردم سرنگونی طلب برای نشان دادن خشم خود علیه حاکمین از هر امکاتی استفاده میکنند.

مطهری مختار است که خود را به نفهمی بزند و خواست مردم برای رفتن جمهوری اسلامی با هر جناحش را نادیده بگیرد ولی وقتی که جنبش انقلابی سرنگونی طلبانه مردم در خانه او و رهبران حکومتش برای لایروبی طویل اسلام را زد دیگر خیلی دیر است. بهتر است بجای این هذیان گویی ها فکری به حال خود بکنید.

مقامات حکومت اسلامی قاعدتا در تجمع حکومتی نماز جمعه هم دیگر چندان احساس امنیت نمیکند. چون مردم خشمگین هر تجمعی را به مرکز اعتراض خود تبدیل میکنند. یکی از حرکت های مبتکرانه و جمعی مردم که شروع آن بنوعی در اشنای دیماه گذشته شکل گرفت؛ اما این بار در وجوه مختلف و در مکان های متفاوتی تحقق پیدا کرد کشانده شدن اعتراضات کارگران و مردم خشمگین به نماز جمعه ها و اماکن مذهبی برای طرح خواستها و شعارهایشان بود که تداوم پیگیر مبارزات و حق طلبی هایشان را نشان میدهد. این حرکت بدیع و خود جوش که ابتدا از تجمع کارگران نورد لوله اهواز شروع شد که با تجمع و شعار دادن در محل نماز جمعه خشم خود را نسبت به مقامات حکومت ابراز داشتند، بعدا با حرکت زحمتکشان روستاهای ورزته و اطراف اصفهان ادامه پیدا کرد و در اواخر هفته گذشته مردم کازرون همین ابتکار را بدست گرفتند و در نماز جمعه علیه حکومت و مقامات حکومت شعار دادند. مستقل از اینکه جریانات مختلف چه استفاده ای از کشاندن حرکت مردم به نماز جمعه ها دنبال میکنند، اما فضای جامعه این حرکتها را در راستای تداوم منطقی مبارزات مردم ایران در ابعاد سراسری علیه حکومت اسلامی قرار میدهد.

جنبش عمومی و اعتراضی مردم ایران در دیماه گذشته چند خصوصیت برجسته از خود بجای گذاشت. یکی از این خصوصیت ها ی برجسته علاوه بر شعارهای سرنگونی طلبانه و ضد حاکمیت آن، همگانی بودن و گسترده بودن آن بود. اما با فروکش کردن نسبی آن

آن دخالت ندارد و گرته یک روزه همه آنرا ترك میکنند. اکنون نیز فوراً راههای دور زدن فیلترینگ حکومتی به دهها شیوه در رسانه ها میچرخد.

مشکل و معضل لاینحل مقامات فسیل حکومت اسلامی اینست که کار اسلام و تاجر و ارتجاع در قرن بیست و یکم بسیار مشکلتر از دوره محمد است. زیرا این تفکرات کپک زده و ارتجاعی جایی در این قرن ندارند. نه فقط این، بلکه کلا کنترل حکومتی و سانسور در این دوره بسیار کار مشکلی است. دوره کنونی دوره علم و تکنولوژی ارتباطات عمومی است. هرکس از درون خانه اش با هزاران نفر در سراسر جهان تماس دارد و بغرض که چهار نفر را هم کنترل کند، نمیتواند جلوی تبادل سیل آسای اطلاعات را بگیرند. صد بار هم تلگرام را ببندند یک ماه طول نمیکشد که راههای متعدد دیگری برای ارتباط باز میشود. بستن تلگرام از روسیه و پوتین شروع شد. اما آنجا هم فوراً میلیونها نفر راههای دور زدن فیلترینگ دولتی را باز کردند و این سیاست را به شکست کشاندند. در ایران نیز همین اتفاق خواهد افتاد. مساله اساسی اینست که حتی اگر تکنولوژی و ارتباطات هم به این حد نبود، وقتی که اکثریت مردم از حکومتی به دلیل ارتجاع و چپاول و جنایاتش متنفرند و میخواهند از شر آن خلاص شوند، راهی جز سرنگونی مقابل حکومت قرار ندارد. با هیچگونه سانسور و کنترلی نمیشود ۷۰ میلیون انسان سرنگونی طلب را کنترل کرد.

میهن شده اند. شاید انتظارش را نداشتند و شاید هم فکر می کردند که کنترل اوضاع در دست دارند.

جای شکی نیست که حکومتهای مستبد به خاطر اینکه خود را موجه جلوه دهند سعی می کنند نفرت و انزجار عمومی مردم از حکومتشان را منکر شوند و لذا زمینه های شورش های مردمی را به عواملی به جز نفس حاکمیت سیاهشان نسبت دهند. اما نکته تازه در حرفهای مطهری این است که او به عوامل "درون حکومتی" در ایجاد اعتراضات دی ماه اشاره می کند. مطهری البته تصور می کند که گویا مردم بازبچه دست حکومتیان از جناحهای مختلف هستند و این جناح ها می توانند مردم را به ساز خود برقصانند و یا بجنابانند. اما او و جناح رقیب هم بخوبی می داند که واقعیت بر عکس است. اگر نزاع های حکومتی تشدید شده است و اگر جناحهای مختلف حکومت به جان هم افتاده اند و می خواهند همدیگر را پاره کنند، این به دلیل وجود مردم معترضی است که میخواهند سر به تن هیچ کدام از جناح های حکومتی نباشد.

در خیزش انقلابی دیماه مردم با صدای بلند اعلام داشتند که "اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمام ماجرا".

تئوری چگونه توده گیر میشود

توضیح:

«تئوری چگونه توده گیر میشود»، که بخشی از سخنرانی مفصل منصور حکمت در انجمن مارکس تحت عنوان مبانی کمونیسم کارگری است، یکی از ارکان هویتی ما است. این بحثی مربوط به پراتیک است. بحثی مربوط به رابطه یک حزب سیاسی با جامعه، بحثی مربوط به انتخاب سیاسی توسط توده های مردم، چگونگی توده ای کردن مارکسیسم و کمونیسم و تبدیل شدن به یک انتخاب سیاسی در مقیاس جامعه است. این متدی است که بر تمام فعالیت سیاسی ما ناظر است و کلید پیشروی ما است. تفاوت سنت سیاسی ما با رگه های دیگر چپ را نیز نشان میدهد. دلیل اهمیت این بحث مفید دانستیم آنرا در اینجا چاپ کنیم. برای شنیدن این سخنرانی یا مطالعه متن پیاده شده و کامل آن، میتوانید به سایت حزب یا سایت منصور حکمت مراجعه کنید. کلمات میان پرانتزها برای روان تر شدن اضافه شده است.

منصور حکمت

یک بحث دیگر که اینجا باید بکنم، سر این است که تئوری چگونه به نیروی مادی تبدیل میشود.

تئوری چگونه توده گیر میشود

در اندیشه ما و در حزب ما یک چیز جا افتاده و آن این است که تئوری ترشح طبقات نیست! سیاست ترشح طبیعی طبقات نیست. اینطور نیست که مثلاً از طبقه بورژوا بطور خودبخودی لیبرالیسم بیرون می آید. یا از آن ناسیونالیسم بیرون می آید. و از کارگر بطور خودبخودی سوسیالیسم بیرون می آید. بلکه، طبقات اجتماعی مواجه میشوند با سیستم های فکری و دیدگاه هایی که محصول پروسه مبارزه طبقاتی هستند ولی در بعد عقاید. عقاید اجتماعی در مقابل همدیگر قرار گرفته اند، ترهای مختلفی به جامعه ارائه میشود و طبقات اجتماعی به این (عقاید و ترها) دست میبرند. در نتیجه رابطه ای که بین اوضاع

تزیق فکری، مذهبی و به اصطلاح مومن ایجاد کردن برای مارکسیسم. ما قصد ایجاد ایمان مارکسیستی در توده های وسیع را نداریم! ما میخواهیم جنبش کمونیسم کارگری را مثل یک جنبش جلوی جامعه بگذاریم و درست در آن لحظه ای که پراتیک اجتماعی و سیاسی مطرح میشود مطمئن هستیم که یک بخش وسیعی از کارگران این را انتخاب میکنند. در نتیجه در اینجا هم نقش سیاست و جدال و جدل برای توده گیر شدن تئوری و نظریه، برای ما تعیین کننده است.

بهرحال تئوری برای ما یک سری "احکام حقیقی" و به اصطلاح یکسری احکام علمی که ارائه میکنند و افراد انسانی با "خردشان" به صحت آن پی میبرند و از آن به بعد برای ابد مارکسیست میشوند، نیست. تئوری قرار است راهگشایی بکند از معضل اجتماعی. بنابراین باید خود را به برنامه عمل تبدیل کند. آن برنامه عمل توسط جنبش هایی که آن تئوری را مبنی قرار داده اند به جلوی جامعه میروند. جامعه در یک تلاقی سیاسی، در یک تلاقی طبقاتی جدی آن تئوری ها را انتخاب میکند که کدام شان را (قبول) دارد یا نه. اگر در سال ۱۳۵۷ کمونیسم کارگری یک واقعیت سیاسی معتبر، به اندازه جبهه ملی، به اندازه ناسیونالیسم، یا به اندازه مذهب در جامعه ایران بود، اگر یک سنت سیاسی دایری بود که این برنامه و پرچم اش بود، هیچوقت (جامعه) ایران به آن سمت نمی چرخید. برای اینکه یک بخش ۳۰ درصدی جامعه ایران پشت این پرچم میرفتند و بعد دعوا میشد در آن مملکت. (کمونیسم کارگری آنوقت) جزو انتخاب های مردم نبود. با وجود اینکه این تئوری بود، با وجود اینکه این اندیشه بود، این برنامه ها بود، ولی بعنوان آلترناتیو اجتماعی سیاسی در برابر جامعه نبود.

در نتیجه در بحث رابطه بین عمل و تئوری، ما به مبارزه طبقاتی و به انتخاب های طبقاتی قائل هستیم. مارکسیسم برای ما یک دینی نیست که داریم آنرا ترویج میکنیم تا مومنین به آن زیاد شوند. یا اینکه به ضرب شمشیر آنرا اشاعه بدهیم. مارکسیسم برای ما پرچم یک جنبش سیاسی است. این جنبش سیاسی را

باید ساخت و در جای محکمی در جامعه قرار داد چنانکه مبارزه طبقاتی از این جنبش سیاسی تاثیر پذیرد. و طبقه کارگر، یعنی طبقه ما، طبقه ای که این تئوری اش و این جنبش اش است، آنرا به پرچم جنبش وسیع خود تبدیل کند.

بنابراین در سیستم فکری ما، تئوری و بحث اندیشه به اعتبار خودش، (گرچه) ملهم از مبارزه طبقاتی و بعنوان بخشی از مبارزه طبقاتی، می آید. ولی از مبارزه اجتماعی بیرون میروند... (یک سکنه در بحث شفاهی) مارکس به اعتبار مارکس بودنش مارکس است. مارکس از کارگران دستور نگرفته که اینطور فکر کند. بدنبال تاریخ عقاید فلسفی در اروپای غربی و کلا غرب، از یونان تا امروز، مارکسیسم وجود دارد. تحت تاثیر مبارزه طبقاتی وجود دارد، ولی مبارزه طبقه بخودی خود مارکس را بیرون نمی دهد. بالاخره شما باید تاریخ اندیشه را دنبال کنید. ولی مارکسیسم بعنوان یک جنبش سیاسی میتواند پیروز شود. و نه بعنوان یک مذهب. نه بعنوان مجموعه ای از احکام خردمندانه. بعنوان یک جنبش سیاسی که برود جلوی دست جامعه و جامعه بتواند آنرا انتخاب کند. بنابراین آن رگه پراتیکی کمونیسم کارگری اینجا هم هست و خیلی برجسته میشود. برای اینکه وظیفه ما این نیست که تاریخ را توضیح بدهیم و جامعه را توضیح بدهیم و مردم بیایند و به این حقانیت حرف ما برسند. هرچقدر هم حقانیت داشته باشد مفت نمی ارزد مگر اینکه تبدیل شود به جنبش سیاسی که میتواند بعنوان یک پرچم در مبارزه طبقاتی دست گرفته شود. از آن طریق این تئوری توده ای میشود و از آن طریق در تاریخ و سرنوشت بشر تاثیر میگذارد.

این کاملاً ما را در یک سنت سیاسی عملی متفاوتی قرار میدهد به نسبت فرض کنید طیف روسی، طیف تروتسکیست، چپ نو، و غیره. یا گرامشی، یا طیف اوروکومونیسم. جنبش ما جنبش روشننگر اگر هست، در یک کانتکست (متن) سیاسی روشننگر است. نه در یک کانتکست مذهبی، معنوی، فلسفی. ما یک جنبش سیاسی هستیم و این کاراکتر سیاسی جنبش هست که (تعیین کننده است). مارکس اصلاً

بحث اش این است که مبارزه طبقاتی مبارزه ای است سیاسی. منظورش مبارزه تظاهراتی و اعتصابی نیست، میگوید مبارزه طبقاتی اساساً سیاسی است. نه یک مبارزه علمی، نه یک مبارزه معنوی! مبارزه ای است که اساساً سیاسی است. مشخصه اصلی جنبش ما که از تبیین پراتیکی اش از مارکسیسم و به نظر من از درک جوهر مارکسیسم توسط آن ناشی میشود این است که خودش را قبل از هر چیز سیاسی نگاه میکنند. (بعنوان) بخشی از جدال سیاسی در جامعه معاصر نگاه میکنند. و نه فقط بعنوان این، بلکه خودش را بعنوان بشریت میتواند در این جدل، در دوره گذار از سرمایه داری به هرچه که قرار است بعد از آن بیاید، آنرا انتخاب کند. خودش را به انتخاب مردم میگذارد.

همانطور که گفتیم اینها همه به نظر من سنت لنینی است. ما را قشنگ در وسط سنت لنینی کمونیسم قرار میدهد. نه سنت اروتونیستی، نه سنت چپ نو، نه سنت استالینی، نه سنت تروتسکیستی، بلکه درست در وسط لنینی قرار میدهد. (یعنی) سنت دخالتگر و سیاسی ای که مدام دارد سعی میکند تا کمونیسم را بعنوان یک انتخاب اجتماعی در برابر جامعه قرار دهد. و تلاش های (این سنت) برای ساختن حزب، برای متحد کردن یک بین الملل جدید، برای ساختن یک اردوگاه جدیدی که یک قطبی باشد و بشود از آن دفاع کرد، از این (دخالتگری سیاسی) ناشی میشود. این یک رگه ای به ما میدهد که متفاوت است با کسانی که کمونیسم بصورت ایده آلهایی که باید "از آن پاسداری کنند" نگاه میکنند. مثلاً به ما میگویند "چه میشد اگر در روسیه شکست میخوردند ولی ایده آلهای را پاسداری کرده بودند". خب فایده ای نداشت اگر در روسیه شکست میخوردند و این ایده آلهای را پاسداری میکردند! چون پاسداری از این ایده آلهای برای یک سنت پراتیکی، برای سنت لنینی، یک پاسداری سیاسی است. پاسداری اخلاقی نیست. آن کسانی که

تنوری چگونه توده گیر میشود

از صفحه ۸

مارکسیست بودند مردند و رفتند پی کارشان! تمام کسانی که در سالهای ۴۰-۱۹۳۰ سوسیالیست بودند مرده اند. همین اواخر در سالهای ۶-۱۹۶۵ مارتف هم مرد. کمونیست (فکر کنم باید کمونیسم باشد) چیزی نیست که بعنوان عقیده شما برای بچه تان به ارث بگذارید! دینی باشد که خودش را به آنصورت که مثلا نماز میخوانید و روزه را اجرا میکنید (تناوم دهد.) و یا شما یک فرهنگی برای خودتان دارید که اگر اسم بچه تان را بگذارید "امید" یا "پویا" یا "مزدک" کمونیست شده اید! کمونیست (اینجا هم همینطور کمونیسم بیشتر میخورده) یک فرهنگ نیست. یک جنبش سیاسی است. باید هر لحظه جلوی جامعه باشد تا (وجود داشته) باشد. اگر (جلوی جامعه) نیست، نیست! یک مکتب فکری نیست. و بنظر من این دیدگاه و تبیین سیاسی پراتیکی از مارکسیسم ما را کاملا از تبیین های فلسفی، مذهبی، آموزشی، ترویجی، مکتبی از کمونیسم جدا میکند. و دقیقا همینجاست که بنظر ما تک تک احکام مارکسیسم برای ما صد مرتبه مهم تر است به نسبت آن کسانی که مارکسیسم برایشان این اولویت و میرمیت را بعنوان یک روش سیاسی ندارد.

مبارزه طبقاتی و "آگاهی"

مبارزه طبقاتی. تبیینی که ما از مبارزه طبقاتی داریم با خیلی ها فرق میکند. مبارزه طبقاتی در کمونیسم چند جور تعبیر شده است. عمدتا یک دوز بالا، به اصطلاح یون بالایی از آگاهی را واردش کرده اند! گویا مبارزه طبقاتی مبارزه ای است آگاهانه علیه کاپیتالیسم. و (گویا) به آن مبارزه ای میگوئیم مبارزه طبقاتی که بخصوص زیر پرچم سوسیالیسم انجام بشود! مارکس وقتی در مانیفست از مبارزه طبقاتی حرف میزند از این حرف نمی زند. مارکس میگوید یک کشمکش دائمی - حتی میگوید struggle. و ما به جای struggle گذاشته ایم "مبارزه". (ولی) struggle یعنی کشمکش، جان کننن و کش و قوس

لندن بگیر تا اینکه در دانشگاه چه چیز را درس بدهند. یا بودجه چگونه تخصیص پیدا کند. یا کلیسای مسیحیت الان میخواهد چه بگوید. پشت همه اینها این (مبارزه طبقاتی) است. حتی (پشت) تصمیمات داخلی طبقات حاکمه بر سر زندگی شخصی شان، یا اینکه از چه معیارهایی دفاع میکنند یا چه اخلاقیاتی حاکم است. مبارزه طبقاتی این کشمکش دائمی است و مارکس میگوید این همیشه مبارزه ای است بر سر قدرت، مبارزه ای است سیاسی.

ما عنصر آگاهی را در مبارزه طبقاتی شرط نمی دانیم. برای برخی سوسیالیستی بودن (شرط طبقاتی بودن است). میگویند "مبارزه پرولتری، مبارزه طبقاتی" و فرض اش این است که مبارزه ای است علیه سرمایه داری! ولی برای ما تعریف مبارزه طبقاتی این نیست. از نظر ما لایه های بعدی ای هست بین مبارزه طبقاتی تا جنبش کمونیسم کارگری که من (پایین تر) به اینها میرسم. ولی یکی از وجوه مشخص کننده جنبش ما این است که ما به وجود دائمی کشمکش طبقاتی قائل هستیم. و اگر فکرش را بکنید برای یک جریانی که از زاویه پراتیکی دارد دنیا را می فهمد، و از زاویه تغییر دارد (دنیا را) میفهمد، چقدر این تز حیاتی است. اگر بیابند بگویند، که گفته اند، "مبارزه طبقاتی در جریان نیست"، "افت کرده است"، الان "مبارزه طبقاتی یا پرولتاریایی در کار نیست"، یا "پرولتاریا دیگر سازش کرده با بورژوازی"، همه اینها زیرآب بنیاد ما را میزند!

اگر مبارزه طبقاتی نیست میتوان بر تمام بحث کمونیسم کارگری قلم گرفت. کمونیسم کارگری با فرض مبارزه طبقاتی معنی دارد. در صورتیکه (مثلا) دین اسلام نه، برای خودش اینطور نیست. مسیحیت هم نه، کافست تا شما گناه کرده باشید تا یکی به زعم خود بخواهد شما را ارشاد کند و به رنگ خودش دربیآورد. ولی بنیاد کمونیسم کارگری بر وجود مبارزه طبقاتی است. فرض اش این است که مبارزه طبقاتی همیشه هست، تپش دائمی تاریخ! و سعی نمی کند آنرا ایده آلیزه کند و یا رنگ عقیدتی به آن بزند. گویا اگر کارگر ها ماشین

بشکنند این بخشی از مبارزه طبقاتی نیست. در بحث کمونیسم کارگری ماشین شکنی یا مبارزه علیه تکنولوژی روشی است که طبقات دارند (با بکارگیری آن) مقابل یکدیگر صف آرای می کنند. ما میگوئیم خط مشی حاکم بر این تصمیم (یعنی ماشین شکنی)، خط مشی حاکم بر این اقدام، جنبش سیاسی که افکارش بر این لحظه مبارزه طبقاتی کارگران حاکم بوده است، یک جنبش ارتجاعی ناسیونالیستی و عقب مانده و غیره است. ولی در اینکه هدف آن ماشین شکنی کشمکش طبقه مزدبگیر با کسانی است که استثمارش میکنند، یک لحظه تردید نداریم.

مبارزه طبقاتی و جنبش ها

این ما را، چنانکه بعدا خواهیم گفت، در خیلی جاها (از دیگر روایت های کمونیسم) متفاوت میکند. در موضع ما نسبت به طبقه کارگر، نسبت به مبارزه اقتصادی، نسبت به اتحادیه ها، نسبت به جنبش های دیگری که اگرچه ایده آلهایش با ما یکی نیست ولی میتوانیم دردش را بفهمیم. و رابطه ما را با جنبش های دیگر توضیح میدهد. یک تروتسکیست یا خیلی ها میتوانند بگویند: "اتحادیه های فاسد کارگری و رهبران خائن اتحادیه ها"! راحت میتواند اینرا بگوید. بدون اینکه توجه داشته باشد که اتحادیه کارگری بالاخره، فاسد یا غیر فاسد، سد دفاعی این آدمهای معین این دوره و زمانه جلوی آن کارفرما است. جنبش ما در عین اینکه ممکن است بگوید که جنبش اتحادیه ای یک جنبش بورژوازی است که برای طبقه کارگر علم کرده اند، ولی میفهمد که یک جنبش بورژوازی که کارگران علم کرده اند برای دفاع از خودشان، بالاخره جنبشی است که برای دفاع از خودشان برپا کرده اند. بعدا اینرا میگویم که این به رابطه ما با جنبش های دیگر در داخل طبقه و همینطور رابطه ما با جنبش های برای بهبود اوضاع جهان، ربط دارد. ما اگر یک نفر در یک گوشه جهان خواستار برابری زن و مرد و دفاع از حقوق کودک باشد، از آنجا که معتقدیم این بخشی از پلاتفرم طبقاتی طبقه کارگر است، برای آن ارزش قائل هستیم. اگر نباید عینا به

سبیل مارکس و انگلس قسم بخورد برای ما آنقدر مهم نیست. در صورتیکه یک نفر چپ رادیکال افراطی ۱۵ سال پیش ممکن بود شما را (هرچند) اگر معلم خوبی بودید و سعی میکردید به بچه های مردم ریاضیات درستی یاد بدهید هنوز آدم حسابتان نکنند، مگر اینکه به مشی چریکی مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک اعتقاد داشته باشید یا حتما باید بگوید که "سه مطلق را باید شکست". یا حتما باید بگوید، فرض بکن، "محاصره شهر از طریق روستا" وگرنه شما بخشی از جنبش آزادی جامعه نیستید.

کمونیسم کارگری چون نگاه میکند و انسانیت را می بیند که دارد با همه ابزارها و شعوری که در دسترس اش هست مبارزه میکند، میتواند بفهمد که پشت این شعارها و پرچم ها و فرمول های متنوعی که بشریت بلند کرده است واقعا چه امیالی هست. و چرا واقعا حتی بخشی از آن جنبش مال شما هست و الان رفته پشت آن پرچم. در نتیجه رابطه ما با احزاب، جنبش ها، بخش های مختلف و پرچم های مختلف را درگون میکند. یکی گفته بود "فاشیسم و ناسیونالیسم و مذهب اشکال انحرافی اعتراض پرولتاریا" است. من برایش نوشتم نه اینطور نیست. اینها اشکال بورژوازی است برای قالب زدن به جنبش های اعتراض کارگری. خود کارگر از توی خودش مذهب را بیرون نمی دهد. خود کارگر از توی خودش ناسیونالیسم را بیرون نمی دهد. خود کارگر از توی خودش رفرمیسم بیرون نمی دهد. کارگر از توی خودش نخواستن آن وضعیتش را بطور خودبخودی بیرون میدهد. ناسیونالیسم، مذهب، رفرمیسم دیدگاه ها و جنبش های سیاسی هستند مثل من و شما، که خودشان را برده اند و گذاشته اند جلوی جامعه برای اینکه بتوانند از طریق اینها مردم حرفشان را بزنند. اگر این جنبش ها را بگیرد جامعه هیچ چیزی نمی تواند بگوید. ولی از طریق مذهب، از طریق ناسیونالیسم، از طریق اصلاح طلبی، از طریق لیبرالیسم دارد سعی میکند دردش را بگوید.

و دقیقا این نگرش (به مبارزه

شهرهای کردستان شاهد مراسمهای متعدد در روز جهانی کارگر بود

ساختمانی کامیاران همراه با پخش شیرینی و نصب پلاکارد به مناسبت روز جهانی کارگر در سطح شهر این روز جهانی را به کارگران تبریک گفت. گفتند.

بانه و جوانرود: در این دو شهر که از هفته روز قبل تا کنون اعتصاب عمومی همچنان ادامه دارد به مناسبت اول مه سفر خالی در خیابان پهن کردند و علیه فقر و بیکاری به خیابان آمدند.

ثلاث بابا جانی

دو روز قبل از روز کارگر فعالین کارگری و جوانان شعار نویسی؛ نه به فقر - نه به استعمار - روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت گرامی باد به استقبال روز کارگر رفتند.

کمیته کردستان حزب یک بار دیگر روز جهانی کارگر را به همه کارگران تبریک میگوید و دست همه فعالین و دست اندکاران تدارک و برگزاری مراسمها را بگرمی میفشارد.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگر!

زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران!

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷

۲۰۱۸ می ۱

راهپیمایی کردند. شرکت کنندگان در این راهپیمایی شعار دادند و بر پلاکاردهایی که حمل میکردند نوشته شده بود: لغو قرار دادهای سفید امضا، حذف سهمیه بندی بیمه بیکاری کارگران ساختمانی، نان مسکن آزادی، هم از فقر مینالیم هم از فرق بیزاریم، کارگران زندانی آزاد باید گردند و گرمی باد اول مه روز جهانی کارگر.

سنندج: مراسم سوم، در شهرک صنعتی برپا شد. کارگران با پخش شیرینی و تبریک روز جهانی کارگر ضمن تاکید بر اتحاد و همبستگی طبقاتی با هم طبقه ایهای خود، بین مردم شیرینی پخش کردند.

مروان: کارگران مروان با پخش شیرینی و برپایی مراسم در این شهر روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

تبریک روز کارگر و پخش شیرینی در میان کارگران ساختمانی میدان شبرنگ به مناسبت ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر با حضور مسول و اعضای هیئت مدیره انجمن کارگران ساختمانی مروان و سروباد مورد استقبال کارگران و مردم این شهر قرار گرفت. مسئول هیئت رئیسه انجمن کارگران ساختمانی این شهر ضمن تبریک روز جهانی کارگر در مورد شرایط زندگی و دستمزد چند برابر زیر خط فقر و لزوم اتحاد و همبستگی کارگران سخنرانی کرد و مورد استقبال کارگران قرار گرفت.

کامیاران: تعدادی از فعالین کارگری و اعضای انجمن کارگران

برگزاری جشن و مراسم به مناسبت روز جهانی کارگری یک سنت جا افتاده در کردستان است. روز جهانی کارگر به رسم هر ساله کارگران کردستان همراه هم طبقه ایهای خود در دیگر شهرهای ایران مراسمهای متعددی برپا کردند.

با وجود فضای امنیتی و سرکوب و با وجود احضار و تهدید فعالین کارگری از یک هفته قبل از اول مه، امسال هم شاهد مراسمهای متعددی در شهرهای کردستان بودیم. فعالین کارگری چند هفته قبل از اول مه برای برگزاری مراسمهای روز جهانی کارگر تدارک دیدند. طبق گزارشاتی که به ما رسیده است مراسمهای زیر در شهرهای کردستان برپا شده است.

سنندج: روز دهم اردیبهشت کارگران سندیکای خباز سنندج و کارگران ساختمانی مروان با پخش دفتر و خود کار و شیرینی مزین به تبریک اول مه به استقبال این روز جهانی رفتند.

در روز اول ماه مه چند ساعت قبل از برگزاری مراسم دو نفر از مسئولین سندیکای خبازان سنندج بازداشت شدند. آقایان یلی صمدی و امیر شهابی بعد از دستگیری به مکان نامعلومی انتقال داده شدند.

علیرغم دستگیری این دو نفر، کارگران سندیکای خبازان سنندج صبح روز ۱۱ اردیبهشت ۹۷ مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند.

سنندج: ساعت ۱۸ مراسم دیگری در حومه شهر سنندج در محلی به اسم نایسر برپا شد. در این مراسم کارگران در خیابان

رامین حسین پناهی زندانی سیاسی محکوم به اعدام به بند عمومی بازگردانده شد!



اجازه ندهند رامین اعدام شود. خطر هنوز برطرف نشده است. مبارزه برای نجات قطعی رامین باید ادامه یابد.

کمیته بین المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲ مه
۲۰۱۸

شنیدن اجرای قریب الوقوع اعدام رامین حسین پناهی به زندگی خود پایان داد، شرکت داشتند. حضور وسیع و گسترده مردم در این مراسم خاکسپاری و همراهی آنها با خانواده حسین پناهی، جمهوری اسلامی را واداشت تا با توجه به عواقب اعدام رامین احتیاط پیشه کند.

اما رامین همچنان در اسارت جمهوری اسلامی است و حکم اعدام او لغو نشده است. از سوی دیگر ما با ترفندهای جمهوری اسلامی نیز بخوبی آشنا هستیم که چگونه با کمی مانور و وقت خریدن طرحهای شومش را عملی می کند. از همین

رو باید تنور مبارزه علیه اعدام رامین را گرم نگه داشت و خواهان لغو قطعی حکم اعدام وی شد. مردم سنندج با همیاری امروز خود نشان دادند که می توانند در جلوگیری از اعدام رامین نقش مهمی داشته باشند. ما ضمن ارسال صمیمانه ترین درودها به مردم قهرمان سنندج یکبار دیگر آنها را دعوت می کنیم که متحدانه در صحنه باقی بمانند و

زندانی سیاسی رامین حسین پناهی که برای اجرای حکم اعدام به فرزندانه زندان مرکزی سنندج منتقل شده بود، دوباره به بند عمومی بازگشته است. آتشین حسین پناهی برادر رامین که او نیز در زندان سنندج محبوس است رامین را در بند عمومی زندان دیده است و خبر بازگشت او را به خانواده خود اعلام کرده است. همچنین حسین احمدی نیاز وکیل رامین حسین پناهی در گفتگویی با برنامه رودرو تلویزیون کانال جدید گفته است که تلفنی با رامین حرف زده است و حال او خوب است.

توقف موقت اجرای حکم اعدام رامین حسین پناهی بدون شک نتیجه فشار افکار عمومی و اعتراضات در ایران و جهان برای لغو حکم اعدام رامین حسین پناهی است. امروز در سنندج مردم زیادی در مراسم خاکسپاری نیشتمان حسین پناهی خواهرزاده رامین حسین پناهی که زیر فشارهای زیاد جمهوری اسلامی و پس از شنیدن

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8

تنوری چگونه توده گیر میشود

از صفحه ۹

طبقاتی و نقش جنبش‌ها) هست که ما را موظف می‌کند، همانطور که بعداً در بحث حزب و جامعه می‌گویم، که برویم خودمان را بعنوان يك انتخاب واقعی پهلوی بقیه جنبش‌ها در جامعه بگذاریم. تا همانقدر که میشود لیبرالیسم را یا رفرمیسم و پارلمانتاریسم و ناسیونالیسم را بعنوان يك روش اعتراض به آمریکا و مثلاً فرض کنید به امپریالیسم انتخاب کرد، کمونیسم کارگری را هم میشود بعنوان يك روش برای اعتراض به وضع ناهنجار زندگی در يك کشور تحت سلطه امپریالیسم انتخاب کرد.

شما نمی‌توانید جهان را بخاطر عدم حضور خودتان ملامت کنید! اگر شما بعنوان يك جنبش سیاسی حضور ندارید که در نتیجه مردم به جنبش کمونیستی شما پیوندند،

نمی‌توانید به آنها خرده بگیرید که چرا به جنبش فمینیستی پیوسته‌اند. یا چرا به جنبش ناسیونالیستی پیوسته برای اینکه دردش را بگویند. اینها جنبش‌های سیاسی‌ای هستند که زودتر از من و شما جنجیده‌اند و رفته‌اند جلوی صحنه و (به جامعه) انتخاب داده‌اند و نیازهای مردم را کانالیزه می‌کنند. ما این قدرت را داریم که پشت این (پدیده) را ببینیم و بگوییم پشت همه اینهایی که می‌بینید امیال طبقات اصلی اجتماعی را میشود دید. و اگر شما این صلاحیت را پیدا کنید بعنوان يك جنبش سیاسی که بروید جلوی صحنه، او دیگر نمی‌رود پشت ناسیونالیسم کرد. می‌آید پشت جنبش کمونیستی. که همینطور هم شد. اگر شما پرچم کمونیسم را يك جایی بلند کنید يك مقدار زیادی از آدمهایی که قبلاً فکر میکردند آنها باید از طریق رادیکالیزه کردن

ناسیونالیسم به امرشان برسند می‌آیند و راحت در جنبش کمونیستی عضو میشوند.

خواستیم بگوییم که مبارزه طبقاتی موتور محرکه تاریخ است و همیشه آنجا هست. این که جنبش طبقه کارگر چه قالب سیاسی و ایدئولوژیکی بخودش میگیرد، وجود یا عدم وجود مبارزه طبقاتی را نشان نمی‌دهد. بلکه نشان دهنده این است که چه جنبش‌های سیاسی توانسته‌اند در صحنه مبارزه طبقات خودشان را تثبیت کنند و بعنوان يك ظرف و انتخاب سیاسی برای طبقات مختلف و برای طبقه کارگر وجود داشته باشند.

بازهم متد، بازهم لنین!

تا اینجا داشتیم متد را بحث میکردم. متد ما يك متد دخالتگر و فعال سیاسی است. به نظر من بهترین توصیف از ما شاید لنینیسم باشد. بخاطر اینکه لنین - مستقل از تجربه شوروی و حالا مساله

شورش کرونشتات و نمی‌دانم ساختمان سوسیالیسم در يك کشور، اگر لنین قبل از بدست گرفتن قدرت را بحث کنیم - (و لنینیسم نشان دهنده پراتیسیس بودن کمونیسم است. نشان دهنده علاقه کمونیسم به دخالت در زندگی مادی و عینی در زمان خودش است. نشان دهنده برسمیت شناختن پتانسیل پیروزی است. لنین کسی است که در مقابل بحث اجتناب ناپذیری کمونیسم، امکان‌پذیری کمونیسم را اثبات کرد. گفت میشود! قبلاً همه بین الملل دوم میگفت "اجتناب ناپذیر است"، "مطلوب است"، فلان است، عالی است. لنین و لنینیسم آمد و شدنی بودن کمونیسم را بحث کرد. و پای (اجرای) شدنی بودن آن رفت. حتی سعی اش را کرد. سعی اش را کرد شدنی بودن کمونیسم را نشان بدهد. به نظر من به این اعتبار بحث کمونیسم کارگری در سنت لنینی قرار میگیرد. من کاری به بحث هایشان در مورد مناسبات درون

حزبی و ساختمان سوسیالیسم و اینها ندارم، می‌خواهم بگویم در مورد متد، متد ما اساساً لنینی است. تعبیری که لنین از مارکس میکند به نظر من نزدیکترین تبیین از مارکسیسم است به خود مارکس. یعنی اگر خود مارکس، فکر کنم، می‌دید که پیروانش بعداً چگونه حرفهایش را تفسیر کرده‌اند، بین کاتوتسکی و برنشتاین و لنین و لوکزامبورگ و غیره میگفت این لنین حرف من و بحث ماتریالیسم پراتیک را درست فهمیده است. ما هم فکر میکنیم در آن سنت قرار داریم. نه در يك سنت دترمینیستی، نظاره گر، و به اصطلاح اسکولاستیک از سوسیالیسم. ما در يك سنت پراتیکی انقلابی از کمونیسم قرار داریم. و فکر میکنیم این جوهر مارکسیسم را بیان میکند.

تخریب گورهای اعدایان دهه شصت توسط جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می‌کنیم!

بنا به گزارشی که روز دهم اردیبهشت از سوی دو سازمان عفو بین‌الملل و عدالت برای ایران منتشر شده است جمهوری اسلامی قبرهای دسته‌جمعی قربانیان کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ را حداقل در هفت شهر ایران بطور عامدانه تخریب کرده است.

بنا به این گزارش تخریب گورهای از جمله از طریق مسطح‌سازی بوسیله بولدوز، ساخت جاده و ساختمان، انباشت زباله یا ساخت قبرهای جدید در محل گورهای جمعی صورت گرفته است. بنا شواهد متعددی از جمله تصاویر ماهواره‌ای، فیلم‌های ویدیویی و عکس‌ها جمهوری اسلامی از سال‌های ۸۲ تا ۹۶ در حال تخریب هفت گور دسته‌جمعی قربانیان اعدام‌های سال ۶۷ در شهرهای تهران، مشهد، اهواز، تبریز، رشت و سنج و قروه در استان کردستان بوده است.

بعنوان مثال در شهر تبریز بر روی بیش از نیمی از محل احتمالی يك گور جمعی بتن پاشیده‌اند. تصاویر ماهواره‌ای نشانگر تغییرات

چشمگیر این محل در فاصله خرداد ۱۳۹۵ - شهریور ۱۳۹۶ است. نمونه دیگر مربوط به شهر قروه در استان کردستان است. در تیر ماه ۱۳۹۵ مسئولان سنگبرها و نشان‌های یادبودی را که خانواده‌های عزادار در محل گورها قرار داده بودند به بهانه اینکه زمین موردنظر کاربری «کشاورزی» داشته است با بولدوز تخریب کردند.

جای شکی نیست که جمهوری اسلامی با تخریب گورهای دسته‌جمعی قربانیان کشتارهای دهه شصت می‌خواهد نشانه‌های جرم و جنایات خود را از بین ببرد. جمهوری اسلامی نه فقط جان شریفترین فرزندان مردم را گرفت بلکه اکنون گورهای این عزیزان از گزند تعرض و وحشیگری این رژیم در امان نیست. علت این امر هم روشن است. امروز جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت در ایران يك جنبش قوی است و افشاکاری‌های سالهای اخیر در این مورد هر چه بیشتر جمهوری اسلامی را در منگنه قرار داده است. جمهوری

اسلامی به زعم خود می‌خواهد با از میان بردن شواهد جنایت و حشیگری اش گریبان خود را از فشارهای داخلی و بین‌المللی خلاص کند.

تعرض جمهوری اسلامی به عزیزان خفته در گورهای فردی و یا دسته‌جمعی باید با اعتراض یکپارچه جامعه مواجه شود. جمهوری اسلامی بجای جواب دادن به در خواستهای حق طلبانه خانواده‌های جانباختگان مبنی بر محاکمه قاتلین عزیزانشان و معلوم شدن علت و زمان اعدام و محل دفن آنها، با تخریب گورهای اعدام‌شدگان داغ و درد این خانواده‌ای را بیشتر می‌کند. اما جنایات این رژیم با هیچ اقدامی قابل پوشیدن نیست و مبارزه برای اجرای عدالت و دانستن حقیقت با این تمهیدات وحشیگرانه متوقف نخواهد شد.

ما ضمن محکومیت شدید تخریب گورهای قربانیان کشتارهای دهه شصت از سوی

دسته جمعی بعنوان نشانه بارزی حرمتی به عزیزان خفته در خاک و خانواده‌هایشان باید فوراً متوقف شود.

کمیته بین‌المللی علیه اعدام
کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان
سیاسی
۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۳۰
آوریل ۲۰۱۸



علیه حجاب، برای سکولاریسم!

مینا احدی روز ۲۸ آوریل در شهر توینگن به دعوت سازمان هومانیستها و همچنین سازمان دفاع از حقوق زنان "تره ده فام" سخنرانی کرد. روز ۳۰ آوریل روزنامه تاگ بلات توینگن مطلبی به قلم لیندا پای کورت منتشر کرد که در اینجا ترجمه آنرا ملاحظه میکنید:



یک تکه پارچه نیست این یک سمبل و علامت سیاسی است" حجاب نشانه قدرت گرفتن یک گروه ضد زن و ضد انسان، یعنی جنبش اسلامی و اسلام سیاسی است!

در شهر بن یکبار دختری که آشنای احدی بود به او زنگ میزد و میگوید سه مرد مرا محاصره کرده و میگویند چرا حجاب ندارم، احدی فوراً به پلیس زنگ زد و خواهان اجازه برگزاری یک میتینگ میشود، او میگوید "فقط کسانی که با صدای بلند اعتراض میکنند، شنیده میشوند"

او کنفرانس اسلام را نقد میکند و خواهان لغو این کنفرانس است. برای مینا احدی نفوذ سازمانهای اسلامی در آلمان سکولاریسم را تهدید میکند. گفتن این حرفها ابدا راسیستی نیست بلکه هومانیستی و در دفاع از حقوق زنان است. او بر روی حمایت قابل توجه دولت آلمان و احزاب نمیتواند حساب کند. احدی با نمایندگان احزاب مختلف حرف زده است اما آنها ابدا علاقه ای ندارند سیاست اشان را تغییر دهند" او احتیاج به همکاری و حمایت "مردم عادی" دارد. مثلاً مردمی که با علاقه به سخنرانی های او گوش میدهند.

احدی همواره تحت مراقبت پلیس است و نامه های تهدید آمیز میگیرد. او میگوید من ابدا ترسی از آنهایی که روبروی من ایستاده اند، ندارم. او میگوید من میتوانم پاسخ همه آنها را بدهم. "مسئول شورای مسلمانان آلمان که یک مرد است به نام ایمان مازیانک را بیاورید در مقابل من مینا احدی مسئول نهاد اکس مسلم اینجا، من او را با حرفهایم له خواهم کرد.

از حرکت می ایستد" احدی میگوید برخلاف تصور من سیاستمداران و مسئولین دولت آلمان مثلاً در برلین با نگاه سرد به من پاسخ میدادند، که نمیتوان کاری کرد.

او در سال ۲۰۰۱ کمیته بین المللی علیه سنگسار را سازمان داد، در سال ۲۰۰۸ میگوید یک جوان ۱۸ ساله به او زنگ میزند و خبر میدهد که مادرش، سکینه محمدی آشتیانی را میخواهند سنگسار کنند، بدنال یک کمپین بین المللی میتوانند او را نجات دهند و از سال ۲۰۱۰ در ایران هیچکس را نتوانستند سنگسار کنند. ۲۰۰۴ احدی کمیته بین المللی علیه اعدام را سازمان داد. یک موضوع مهم برای او اینست که محکومین به اعدام را برای مردم دنیا معرفی کند و به دیگران نشان دهد آن کسی که در خطر اعدام است یک انسان است مثل همه، با پخش عکس محکوم به اعدام ویا مصاحبه با او به مخاطبین نشان میدهد چه کسانی در سلول مرگ نشسته اند. او میگوید باید بتوانیم برای مردم دنیا روشن کنیم که وقتی یک نفر اعدام میشود، این برای خانواده و کسانی که در جریان قرار میگیرند چه معنایی دارد. او برای این کار از عکس استفاده میکند و در مواردی مصاحبه با افراد خانواده های محکومین به اعدام.

در آلمان احدی خشمگین است که در سالهای اخیر بیش از پیش به او و چند میلیون پناهنده و مهاجر از کشورهای اسلام زده، مهر "مسلمان" زده اند، برای او که از دست حکومت اسلامی ایران فرار کرده است. او میگوید من بسیار ناراحت هستم که در اروپا و آلمان این همه حجاب می بینم. "حجاب یک مدل لباس و یا

بودند در وین طول عمر زنان بیشتر از مردان است و من گفتم اوکی میروم آنجا!" احدی با لبخند اینرا میگوید.

او در اطریش و سپس در آلمان فعالیتهايش را پی میگیرد و میخواهد در دنیا افشاکاری کند که در ایران چه خبر است. در وهله اول بر علیه سنگسار فعالیت میکند "زنانی که سکس خارج از ازدواج داشته باشند در یک کفن دفن شده و آنها را در یک گودال انداخته و آنقدر سنگ بظرف این زنان پرتاب میکنند تا زجرکش شوند" اینرا احدی میگوید.

مینا احدی همین را در کنگره جهانی حقوق بشر در وین برای حاضرین ترسیم میکند، او میگوید "من تصور میکردم که اگر دنیا بفهمد در ایران چه خبر است و حکومت اسلامی با زنان چه میکند ساعتها و کارخانه ها

آزمان قبول نمیکند حجاب بر سر کند برای احدی حجاب یک وسیله کنترل زنان است و حجاب را با زندان متحرک مقایسه میکند.

حکومت اسلامی حجاب را با دستگیری و اعدام و سنگسار ادامه میدهد، "این زن ستیزی آشکار است" هزاران زن در آن دوره به خیابان رفتند تا علیه این حجاب اجباری مبارزه کنند. "ما زنان تظاهرات کننده سپس از طرف مردان مسلح و ریشو مورد حمله قرار گرفتیم.

در ایران بدلیل فعالیتهايش او را غیابا به اعدام محکوم کردند. بهمین دلیل او مخفی شده و سپس روانه کردستان ایران شده است. او در آنجا ده سال زندگی میکند تا شرایطی برایش فراهم شد که به وین پناهنده شود. "من در مورد اطریش یک بروشوری را خواندم که نوشته

سالن محل برگزاری کنفرانس مینا احدی روز شنبه پر بود از علاقمندان. هومانیستهای توینگن او را دعوت کرده بودند، او موسس و مسئول نهاد اکس مسلم در آلمان است.

او در ایران متولد شده و در آنجا بزرگ شده است، در دوره دانشجویی مینا احدی با اپوزیسیون چپگرا علیه حکومت شاه و در دفاع از حقوق زنان و مردم ایران فعالیت میکردند. او در سخنرانی خود در مورد تعقیب فعالین سیاسی بعد از شکست انقلاب در ایران در سال ۱۹۷۹ و از عزیزان خود حرف میزند که در این دوره آنها را از دست داده است. احساسات او در طول سخنرانی کاملاً مشهود بود او گفت "بعد از روی کار آمدن جنبش اسلامی در ایران گفتند یا روسری یا توسری، اولین حملات به زنان بود." او در



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود